Studies of Nomads Area Planning
E-ISSN: 2821-0530
www.jsnap.ir

Vol. 6 Issue 1 (No. 11), Spring and Summer 2026, Pp. 99-112
DOI: 10.22034/jsnap.2026.590824.1146

Research Article

Investigating the Factors Affecting the Economic Development of Nomadic Communities in Khuzestan Province

Seyed Masoud Seyed Hosseini [1], Ahmad Sarlak[2]& Maryam Sharifnezhad[2]

[1.] Department of Economics, Ar.C., Islamic Azad University, Arak, Iran.
[2.] Department of Economics, Ar.C., Islamic Azad University, Arak, Iran.
[2.] Department of Economics, Ar.C., Islamic Azad University, Arak, Iran.
* corresponding author, ah.sarlak@iau.ac.ir

Receive Date: 09 July 2026
Accept Date: 21 September 2026

ABSTRACT

Introduction: Human capital is widely recognized as one of the most important drivers of economic development and a fundamental pillar of sustainable growth. Accordingly, improving the economic development of all segments of society has been considered one of the principal objectives of Iran's post-revolutionary development programs. Despite their significant contribution to the national economy and the preservation of natural resources, nomadic communities continue to face numerous economic and social challenges that hinder their sustainable development. This study aims to assess the economic development status of nomadic households and identify the key socio-economic factors influencing their economic development in Khuzestan Province.

Methodology: This applied research adopts a descriptive–analytical approach. Data were collected through structured questionnaires, documentary evidence and official administrative records. The statistical population consisted of nomadic households residing in Khuzestan Province. According to the latest census conducted by the Statistical Center of Iran at the end of the Sixth National Development Plan, the province had a nomadic population of 170,499 individuals living in 33,104 households, of which 12,230 households had been permanently settled. Using Cochran's sampling formula, a sample size of 520 households was determined. Data were analyzed using descriptive statistics (mean and standard deviation) and inferential statistical techniques. An ordinal logistic regression model was employed to identify the determinants of economic development.

Geographical area of research: The study was conducted among nomadic communities inhabiting the Zagros region in northern Khuzestan Province, Iran.

Results and Discussion: The findings indicate that access to healthcare services, the use of fossil fuels in conjunction with environmental protection measures, durable housing, adequate transportation infrastructure, access to safe drinking water and most importantly, stable household income are significant determinants of the economic development of nomadic households in Khuzestan Province.

Conclusion: The ordinal logistic regression results demonstrate that both infrastructural and service environmental factors significantly contribute to the economic development of nomadic households. Among the explanatory variables, stable household income exhibited the strongest positive effect (β = 0.78, OR = 2.18). Furthermore, the model showed satisfactory goodness of fit (McFadden Pseudo R^2 = 0.32), indicating an acceptable explanatory power for analyzing the determinants of economic development among nomadic households in Khuzestan Province.

KEYWORDS: Economic Development; Nomadic Households; Khuzestan Province; Ordinal Logistic Regression; Human Capital.

دوفصلنامه(نشریه) علمی مطالعات برنامه‌ریزی قلمرو کوچ‌نشینان
شاپای الکترونیکی 0530- 2821
www.jsnap.ir

دوره ۶، شماره ۱ (پیاپی ۱۱)، بهار و تابستان ۱۴۰۵، صص. ۹۹-۱۱۲
DOI: 10.22034/jsnap.2026.590824.1146

مقاله پژوهشی

بررسی عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی جامعه عشایری استان خوزستان

سیدمسعود سیدحسینی [۱]، احمد سرلک [۲*]، مریم شریف‌نژاد [۳]

۱. گروه اقتصاد، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

۲. گروه اقتصاد، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

۳. گروه اقتصاد، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

* نویسنده مسئول، Email: ah.sarlak@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۸ تیر ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۳۰ شهریور ۱۴۰۵

چکیده

مقدمه: امروزه سرمایه انسانی یکی از مهم ترین عناصر در فرایند توسعه و محور توسعه شناخته می شود. بنابراین، توسعه اقتصادی پایدار آحاد جامعه ساکن در ایران یکی از اهداف اساسی در برنامه های توسعه بعد از انقلاب اسلامی محسوب می شود.

هدف پژوهش: تحقیق حاضر به شناخت وضعیت توسعه اقتصادی و در ادامه عوامل اقتصادی– اجتماعی مؤثر بر توسعه اقتصادی خانوارهای عشایری استان خوزستان پرداخته است.

روش شناسی تحقیق: تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی– تحلیلی و از نظر ابزار مبتنی بر پرسشنامه و داده های مستند اداری است. جامعه آماری تحقیق حاضر خانوارهای عشایری واقع در استان خوزستان می باشد. استان خوزستان در پایان برنامه ششم توسعه طبق سرشماری عشایر کوچنده مرکز آمار ایران، دارای ۱۷۰۴۹۹ نفر جمعیت عشایری در قالب ۳۳۱۰۴ خانوار بوده است تا پایان برنامه ششم توسعه ۱۲۲۳۰ خانوار عشایری در قالب برنامه های متعدد پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی کشور، ساماندهی و اسکان یافته اند. برای پژوهش فعلی با استفاده از فرمول کوکران تعداد نمونه لازم جهت تکمیل پرسشنامه ۵۲۰ بدست آمد. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و میدانی (ابزار پرسشنامه) و همچنین اسناد اداری و بالا دستی بوده است، جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی و برای محاسبه میزان توسعه اقتصادی از مدل رگرسیون لجستیک استفاده شده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: محدوده مورد مطالعاتی عشایر محدوده زاگرس در شمال استان خوزستان می باشد.

یافته ها و بحث: نتایج نشان داده که متغیرهای درآمد پایدار، استفاده از سوخت فسیلی همراه با رعایت ملاحظات زیست‌محیطی، برخورداری از خدمات بهداشت و درمان، مسکن با دوام، راه‌های ارتباطی مناسب و دسترسی به آب آشامیدنی سالم، اثر مثبت و معناداری بر توسعه اقتصادی خانوارهای عشایری دارند. در میان این متغیرها، درآمد پایدار با ضریب ($\beta=0.78$) و نسبت شانس ($OR=2.18$) بیشترین تأثیر را بر احتمال قرار گرفتن خانوارها در سطوح بالاتر توسعه اقتصادی داشته است.

نتایج: مدل لاجیت ترتیبی نشان می‌دهد که توسعه اقتصادی خانوارهای عشایری تحت تأثیر هم‌زمان عوامل زیرساختی، خدماتی و اقتصادی قرار دارند. مقدار شاخص McFadden Pseudo R^2 برابر با ۰/۳۲ بیانگر برازش مناسب و قدرت تبیین قابل قبول مدل است. بر این اساس، بهبود زیرساخت‌های فیزیکی، توسعه خدمات عمومی و تقویت منابع درآمدی پایدار می‌توانند نقش مؤثری در ارتقای توسعه اقتصادی خانوارهای عشایری استان خوزستان ایفا کنند.

کلیدواژه‌ها: توسعه اقتصادی، خانوارهای عشایری، استان خوزستان، رگرسیون لجستیک، سرمایه انسانی.

مقدمه

امروزه سرمایه انسانی به عنوان یکی از کلیدی ترین ارکان فرآیند توسعه و محور اصلی آن شناخته می‌شود. شکوفایی انسان‌های خلاق، مستعد و نوآور، تنها در جامعه ای ممکن است که سلامت جسمی و بهداشت همگانی در آن تضمین شده باشد و از توسعه اقتصادی پایدار برخوردار باشند (مقدسی،۱۳۸۸: ۹). غذا به عنوان یک نیاز اساسی برای بقای بشر، در هرم مازلو در رأس نخستین سطح از نیازهای پنجگانه قرار دارد. از سوی دیگر، توسعه اقتصادی نیز جز با فراهم سازی غذای کافی، سالم، مغذی و قابل دسترس برای تمام افراد جامعه در هر زمان ممکن نیست (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۴، طلایی و رزمخواه،۱۳۹۲ :۳). توسعه اقتصادی در جوامع عشایری صرفاً به معنای افزایش درآمد یا تولید نیست، بلکه مفهومی چندبعدی است که ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی را در بر می‌گیرد. در چنین جوامعی، دسترسی به زیرساخت‌های اساسی، خدمات عمومی، منابع درآمدی پایدار و بازارهای محلی، نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی و افزایش رفاه خانوارها دارد. ازاین‌رو، شناخت عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی می‌تواند مبنای مناسبی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه مناطق عشایری باشد.

طی دو دهه اخیر، توجه محافل علمی به مقوله توسعه اقتصادی به طور چشمگیری افزایش یافته است. علت این امر را میتوان در عواملی همچون افزایش وقوع بلایای طبیعی، گرانی و کمبود مواد غذایی و ناآرامی های ناشی از آن، همچنین گسترش گرسنگی و ناامنی غذایی در مناطق مختلف جهان، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، جستجو کرد (Lawrence et al, 2010,112).

تا همین اواخر، تلاش های بین المللی به طور قابل توجهی توسعه اقتصادی را در سطح جهان بهبود بخشیده است، اما از سال ۲۰۱۴، نسبت افراد دارای ناامنی غذایی شدید در سطح جهان افزایش یافته است. در واقع، در سال ۲۰۱۹، از هر ۱۰ نفر در جهان، ۱ نفر دچار ناامنی غذایی شدید بودند (FAO, 2020: 201) . روندهای فعلی نشان می‌دهد از هر دو نفر یک نفر دچار سوء تغذیه بوده است (GBD, 2017: 1961; Prosekov and Ivanova, 2018: 3835) . برآورد شده که خانوارها در کشورهای کم درآمد ۵۲ درصد از درآمد خود را صرف غذا می کنند و فقیرترین خانوارها درصد بیشتری را خرج می کنند. (FAO, 2020: 128) از این رو، این افراد آسیب پذیرترین قشر در برابر تشدید نابرابری‌ها به شمار می روند، زیرا نوسانات قیمت مواد غذایی یا اختلال در دسترسی به غذا، پیامدهای قابل توجهی بر روند توسعه اقتصادی آنها دارد. شایان ذکر است که عوامل مؤثر بر دسترسی به غذا، ماهیتی پیچیده داشته و متشکل از مجموعه ای درهم تنیده از متغیرهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است (Misselhorn, 2017:115; Chakona, 2017: 158; Gibson, 2018: 43). ایران به خاطر موقعیت جغرافیایی خاص خود، زادگاه دیرین کوچ نشینی و یکی از مهمترین مناطق آن در جهان است. با پیشینه ای بیش از ۸۰۰۰ سال، عشایر ایران امروز نیز علیرغم کاهش جمعیت خود نسبت به ساکنان شهرها و روستاها، همچنان سومین جامعه مهم کشور را تشکیل می‌دهند و اقتصادی منحصربه فرد دارند. نفوذ فرهنگ عشایر در همه شئون ایران چنان عمیق است که فرهنگ ملی این کشور را می‌توان مجموعه ای از میراث فرهنگی اقوام کوچنده منطقه دانست (مولایی هشجین، ۱۴۰۰: ۵۲). مطالعه روابط متقابل انسان و محیط، یکی از اهداف بنیادین علوم اقتصادی است. در همین راستا، بررسی شیوه های معیشت انسان و چگونگی شکل گیری و استمرار آنها در طول تاریخ (گذشته و حال)، موضوعی میان رشته ای محسوب می شود که علوم انسانی دیگری همچون جامعه شناسی، مردم شناسی، جمعیت شناسی، اقتصاد و غیره نیز به آن توجه داشته اند (امیدزاده اردلی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵). کوچ نشینی به عنوان یکی از شیوه های معیشتی بشر، عمدتاً در مناطق خشک و نیمه خشک جهان گسترش یافته است. در خصوص چگونگی پیدایش این سبک زندگی، صاحب نظران ایرانی و خارجی نظرات متفاوتی ابراز داشته اند. از جمله، دپلنول و فرودین بر این باورند که اقلیم، عامل اساسی در شکل گیری این شیوه زندگی به شمار می‌رود. (امین آقایی، ۱۳۸۷: ۱۴۶). شواهد و بررسی‌های اولیه حاکی از آن است که سطح توسعه اقتصادی خانوارهای عشایری استان خوزستان پایین می‌باشد. این وضعیت ناشی از عواملی چند از جمله دوری از مراکز تأمین مواد غذایی، ضعف دسترسی به زیرساخت‌ها بویژه راه های دسترسی، برخورداری از آب شرب سالم و پایدار، دسترسی به سوخت فسیلی، کمبود امکانات بهداشتی، آموزشی و رفاهی، نرخ پایین اشتغال، سطح ناچیز درآمدها و بیکاری فصلی است. این در حالی است که نواحی عشایرنشین محدوده مورد مطالعه، از منابع و بسترهای مناسبی از نظر طبیعی، اقتصادی و اجتماعی برخوردار می‌باشند (عاشقی، ۱۳۸۴ : ۱۵۹ و طرفی، ۱۳۹۶: ۳۸).

در حال حاضر، تحقق توسعه اقتصادی در این مناطق با چالش‌هایی مواجه است که از آن جمله می‌توان به گسترش روش‌های سنتی و نادرست بهره‌برداری از منابع، نبود قیمت‌گذاری مطمئن برای محصولات، کمیت و کیفیت نامناسب منابع آبی، افزایش

نابرابری‌های اجتماعی میان خانوارهای عشایر، آلودگی محیط زیست، مصرف روزافزون سموم در خاک و آب و کاهش باروری خاک اشاره کرد.

با توجه به مسائل یادشده و نیز وضعیت ناامنی غذایی حاکم بر نواحی عشایرنشین استان خوزستان و ضرورت ارائه الگویی برای توسعه اقتصادی پایدار، سؤال اساسی تحقیق این است که مهمترین عوامل مؤثر در توسعه اقتصادی خانوارهای عشایری کدامند و کدام رویکرد قادر است توسعه اقتصادی پایدار آنان را هرچند نسبی محقق سازد. این سؤال اصلی به سؤالات تخصصی زیر تقسیم می‌شود:

- توسعه اقتصادی خانوارهای عشایری محدوده مورد مطالعه در چه سطحی قرار دارد؟
- چه عواملی در توسعه اقتصادی خانوارهای عشایری محدوده مورد مطالعه مؤثر است؟

بنابر تعریف ارائه شده توسط مرکز آمار ایران، عشایر به جامعه ای که در سه خصوصیت ذیل مشترک باشند اطلاق می شوند:

-ساخت اجتماعی قبیله ای

-اتکای معاش به دامداری

-شیوه زندگی مبتنی بر کوچ

با توجه به تعریف فوق، عشایر از بهره برداران عمده بخش کشاورزی (دامداری) محسوب می شوند و حداقل یک نفر از اعضاء خانوار عشایری، بهره بردار دامداری (به عبارتی دارای شغل دامداری) است، بنابر سرشماری عمومی کشاورزی ۱۴۰۳ مرکز آمار ایران تعداد کل بهره برداران دام سبک استان خوزستان ۵۷۵۴۸ بهره بردار است، با توجه به وجود ۳۳۱۰۴ خانوار عشایری در دوره قشلاق در همین استان، می توان نتیجه گرفت حدود ۵۸ درصد بهره برداران دام سبک در استان خوزستان، عشایر هستند.

پیشینه بحث درباره توسعه اقتصادی به بیش از ۷۸ سال قبل و به اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ بازمی‌گردد. در ماده ۲۵ این اعلامیه آمده است: هر انسانی سزاوار زندگی با استانداردهای قابل قبول برای تأمین سلامت و رفاه خود و خانواده‌اش است، از جمله تأمین خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری. همچنین او حق دارد در زمان‌های بیکاری، بیماری، نقص عضو، بیوه‌گی، سالمندی و فقدان منابع تأمین معاش، تحت هر شرایطی که از حدود اختیار وی خارج است، از تأمین اجتماعی بهره‌مند گردد. نخستین تلاش جدی برای دستیابی به توسعه اقتصادی به تشکیل کنفرانس جهانی غذا در سال ۱۹۷۴ بازمی‌گردد. در گذشته، توسعه اقتصادی مترادف با افزایش تولید غذا، به ویژه در کشورهای کم‌درآمد و کم‌غذا، تعبیر می‌شد (FAO, 2021: 302). اما رشد جمعیت از یکسو و افزایش تعداد گرسنگان از سوی دیگر نشان داد که این دیدگاه درست نیست. به همین دلیل در هشتمین نشست کمیته توسعه اقتصادی جهان که در سال ۱۹۸۳ تشکیل شد مفهوم توسعه اقتصادی تغییر کرد و هدف نهایی توسعه اقتصادی در جهان تأمین غذا برای همه مردم در تمام اوقات ذکر شد سپس در کنفرانس بین المللی تغذیه در سال ۱۹۹۲ برای اولین بار، توسعه اقتصادی و مسائل آن به صورت یک نظریه مطرح شد. یکی از اهداف مهم توسعه اقتصادی تامین پایدار غذا است، در سپتامبر ۲۰۰۰، ۱۸۹ کشور عضو سازمان ملل متحد ۸ هدف را بعنوان اهداف کیفی توسعه در هزاره سوم میلادی (Millennium Development Goals) عنوان نمودند که اولین آن "ریشه کن ساختن فقر و گرسنگی" است که اثر مستقیم بر هم دارند. از توسعه اقتصادی، مانند سایر مفاهیم علوم اجتماعی، طی گذر زمان تعاریف برداشت های متفاوتی ارائه شده است. از علل این تنوع در تعاریف تغییر سطح تحلیل در این حوزه است. سایمون ماکسول در مقاله‌ای با عنوان ((توسعه اقتصادی: یک برداشت فرامدرن)) معتقد است که تا به امروز سه تغییر در سطح تحلیل درباره این موضوع به وجود آمده است:

۱ -تغییر از سطح جهانی به ملی و سطح خانوار

۲ -تغییر از تأکید بر سطح غذا به وضعیت معیشتی

۳ -تغییر از سطح شاخص های عینی به سطح شاخص های ذهنی (سواری و نوشاد، ۱۴۰۱: ۹۷).

تحقیقات انجام‌شده در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی نشان دادند که رویکردهای صرفاً مبتنی بر افزایش درآمد و تولید، پاسخگوی پیچیدگی‌های معیشت جوامع عشایری و کوچنشین نیست. محققان دریافتند که رشد اقتصادی تنها یکی از اهداف خانوارهای کوچنشین محسوب می‌شود و عوامل متعددی از جمله دسترسی به مراتع مشترک، امنیت حقوقی زمین‌های کوچراهی، شبکه‌های حمایت اجتماعی، بیمه‌های دامی، دسترسی به خدمات مالی و بازارهای محلی، همگی در تعیین چگونگی تصمیم‌گیری این خانوارها، زمینه تقبل ریسک در مواجهه با خشکسالی‌های مکرر، و نحوه توازن‌بخشی میان نیازهای رقابت‌کننده‌ی کوتاه‌مدت و بلندمدت نقش دارند. در دهه‌های اخیر، پژوهش‌های توسعه‌ی اقتصادی از سطح تحلیل خانوار به سطح فردی منتقل شده و بر توانمندسازی

گروه‌های خاص از جمله زنان، جوانان و افراد دارای معلولیت در جوامع کوچ‌نشین تأکید بیشتری دارد. در سال‌های اخیر، سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO) با همکاری مرکز همکاری‌های بین‌المللی در پژوهش‌های کشاورزی برای توسعه (CIRAD)و صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی(IFAD) ، توسعه اقتصادی جوامع عشایری را به‌گونه‌ای جامع‌تر تعریف کرده است (FAO and CIRAD,2020). بر اساس مطالعه اقتصاد دامداری کوچ‌راهی، توسعه اقتصادی پایدار در جوامع عشایری زمانی تحقق می‌یابد که تمامی افراد این جوامع، در تمامی زمان‌ها، به فرصت‌های متنوع معیشتی فراتر از دامداری سنتی از جمله مشارکت در بازارهای دام، صنایع تبدیلی، گردشگری و مشاغل غیرکشاورزی دسترسی فیزیکی و اقتصادی داشته باشند؛ تا بتوانند ضمن حفظ انعطاف‌پذیری در برابر شوک‌های اقلیمی و زیست‌محیطی زندگی توأم با کرامت انسانی، امنیت معیشتی و مشارکت فعال در جامعه را رقم زنند و صرفاً به بقای اقتصادی اکتفا نکنند (FAO, 2020: 199).

در ایالات متحده آمریکا، رویکردهای اولیه توسعه اقتصادی در دهه ۱۹۸۰ عمدتاً بر تأمین نیازهای مادی متمرکز بود. اما پژوهش‌های معاصر، به‌ویژه در اتحادیه اروپا و ایالات متحده، درک بسیار جامع‌تری از توسعه اقتصادی جوامع عشایری و کوچ‌نشین ارائه داده‌اند. امروزه، توسعه اقتصادی این جوامع نه تنها به معنای افزایش درآمد، بلکه به معنای تقویت تاب‌آوری، حفظ کرامت انسانی و تضمین دسترسی عادلانه به فرصت‌های معیشتی در مواجهه با عدم‌قطعیت‌های اقلیمی و اقتصادی تعریف می‌شود .

اتحادیه اروپا در چارچوب برنامه‌های توسعه خود، به‌ویژه در پروژه‌هایی مانند PASTRES، بر این نکته تأکید دارد که توسعه اقتصادی عشایر باید مبتنی بر انعطاف‌پذیری، سازگاری، نوآوری و یادگیری باشد تا بتواند در محیط‌های متغیر و پرمخاطره پایدار بماند. همچنین در بیانیه‌های سیاستی اتحادیه اروپا، حمایت از حقوق ارضی، تحرک دام، امنیت آب و غذا و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های غیرمتمرکز به عنوان ارکان اصلی توسعه اقتصادی عشایر شناسایی شده است. افزون بر این، اتحادیه اروپا در چشمانداز جدید خود برای کشاورزی و غذا (۲۰۲۵) متعهد شده است که از دامداری گسترده (Extensive Livestock Farming)که بخش جدایی‌ناپذیر معیشت عشایر است، حمایت کند (European Commission, 2025).

در ایالات متحده، آژانس توسعه بین‌المللی (USAID) توسعه اقتصادی جوامع عشایری را در چارچوب تاب‌آوری و رشد اقتصادی در سرزمین‌های خشک تعریف می‌کند. بر اساس این تعریف، توسعه اقتصادی زمانی محقق می‌شود که خانوارهای کوچ‌نشین توانایی مقاومت در برابر شوک‌ها و تنش‌ها (همچون خشکسالی و نوسانات بازار) و بازیابی از آن‌ها را داشته باشند؛ به‌گونه‌ای که آسیب‌پذیری مزمن کاهش یافته و رشد فراگیر (Inclusive Growth) در جوامع آن‌ها تسهیل شود. همچنین عشایر را نه صرفاً تولیدکنندگان دام، بلکه بخشی از یک نظام فرهنگی و اقتصادی می‌داند که ساختار اجتماعی، مدیریت منابع، بهره‌وری، تجارت و سازوکارهای رفاهی را در بر می‌گیرد .(USAID, 2020–2025)

بانک جهانی نیز با الهام از پروژه‌های موفقی همچون پروژه حمایت از عشایر منطقه ساحل (PRAPS)، بر ابعاد زیر در توسعه اقتصادی عشایر تأکید دارد :دسترسی به خدمات دامپزشکی، بازارهای کارآمد، آب آشامیدنی و کریدورهای کوچ‌راهی که همگی زمینه‌ساز افزایش درآمد و کاهش فقر در این جوامع هستند. بر اساس گزارش بانک جهانی، توسعه اقتصادی عشایر در ساحل و غرب آفریقا نزدیک به ۱۵ درصد از تولید ناخالص داخلی کشورهای این منطقه را تأمین می‌کند و معیشت بیش از ۲۰ میلیون نفر را پایدار ساخته است (World Bank Group. (2024).

با الهام از این تعاریف و رویکردهای نوین اروپایی و آمریکایی، می‌توان توسعه اقتصادی پایدار و انسانی جوامع عشایری را در چهار رکن اساسی بازتعریف کرد:

۱- فراهمی دسترسی به منابع و زیرساخت‌های معیشتی

این رکن به عواملی مرتبط است که عرضه و فراهمی فرصت‌های اقتصادی را برای عشایر ممکن می‌سازد. بر خلاف رویکرد سنتی که صرفاً به تولید مواد غذایی محدود می‌شد، در رویکرد جدید، «فراهمی» به معنای دسترسی به مراتع مشترک، منابع آب، کریدورهای کوچ‌راهی امن و زیرساخت‌های بازار است.

۲- توانایی اقتصادی برای بهره‌مندی

این رکن به قابلیت اقتصادی خانوارهای عشایری برای دسترسی به بازارها، خدمات مالی و فرصت‌های شغلی متنوع اشاره دارد. بر این اساس تعریف، دسترسی زمانی معنا می‌یابد که عشایر بتوانند محصولات دامی خود را به بازارهای منظم و مطمئن عرضه کنند و از خدمات مالی خرد، بیمه‌های دامی و اعتبارات بهره‌مند شوند.

۳- بهره‌وری پایدار از منابع و دانش بومی

این رکن به چگونگی استفاده از منابع موجود برای تأمین معیشت پایدار اشاره دارد و بر کیفیت زندگی، سلامت جامعه و حفظ سرمایه‌های فرهنگی و زیست‌محیطی تأکید می‌کند. بر اساس گزارش‌های فائو، نظام‌های عشایری مبتنی بر حقوق مالکیت اشتراکی و سازوکارهای مقابله با تنش‌ها هستند و به عنوان پاسخی پایدار و سازگار با محیط‌های خشن شناخته می‌شوند.

۴- تاب‌آوری در برابر شوک‌ها و عدم‌قطعیت‌ها

این رکن به پایداری معیشت عشایر در طول زمان و عاری بودن این فرآیند از اختلالات ناگهانی اشاره دارد. عشایر در سرزمین‌های خشک و کوهستانی با عدم‌قطعیت دائمی در دسترسی به منابع، نوسانات بازار و تغییرات اقلیمی روبرو هستند.

با توجه به اهمیت این موضوع، پایش وضعیت توسعه اقتصادی و بررسی همه‌جانبه عوامل مرتبط با آن در هر جامعه‌ای امری ضروری به نظر می‌رسد. باید توجه داشت که شیوع ناامنی غذایی و عوامل مؤثر بر آن ممکن است در نقاط مختلف یک کشور تفاوت‌های چشم گیری داشته باشد (محمدزاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۶). دلیل این تنوع آن است که مفهوم توسعه اقتصادی بسیار گسترده و چندبعدی است و از طریق تعامل دامنه وسیعی از عوامل زیست‌شناختی، اقتصادی، اجتماعی، کشاورزی و فیزیکی تعیین می‌شود (زراعی بیدسکان و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۰).

نتایج پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد که در مناطق گوناگون، دسترسی به توسعه اقتصادی تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد. به ویژه در نواحی روستایی و عشایری، عواملی نظیر دارایی‌های خانوار (Maxwell, 2006: 435) ، قدرت خرید خانوارها، میزان بهره‌مندی از فناوری‌های نوین، تعداد دام (به عنوان سرمایه مولد)، حمایت‌های اقتصادی و معنوی اقوام و آشنایان، میزان دسترسی به بازارهای محلی، مصرف مواد اولیه حاصل از زمین (تأمین بخشی از نیازها به طور مستقیم از طبیعت)، سیاست‌های قیمت‌گذاری محصولات و دام، و همچنین دسترسی فیزیکی و اقتصادی به بازار (Bedeke, 2012: 220)، همگی در تحقق یا تضعیف توسعه اقتصادی نقشی تعیین‌کننده دارند.

از سوی دیگر، انواع مختلفی از فرآیندها و نیروهای محرک در سطوح فضایی گوناگون (از محلی تا جهانی) می‌توانند توسعه اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهند. این فرآیندها عبارتند از: کاهش حاصلخیزی خاک و تخریب اراضی در سطح محلی، گسترش شهرنشینی و تغییر کاربری اراضی در سطح منطقه‌ای و ملی، تغییر الگوی استفاده از زمین نظیر جایگزینی کشت محصولات غذایی با کشت محصولات برای تولید سوخت‌های زیستی، توسعه صنعتی و آثار زیست‌محیطی آن، رشد سریع جمعیت و افزایش تقاضا برای منابع، وقوع خشکسالی‌های مکرر، سیاست‌های اقتصادی و کشاورزی دولت‌های داخلی و خارجی، نوسانات شدید بازار در سطح ملی و جهانی و در نهایت تغییرات اقلیمی در مقیاس جهانی (بزرگ پور، ۱۳۷۸: ۱۱۲ و رحیمی و همکاران، ۱۳۸۳: ۶۰) واقعیت آن است که هر دو دسته از چارچوب‌های مؤثر بر توسعه اقتصادی یعنی شرایط انسانی (نظیر سیاست‌ها، نهادها، ساختارهای اقتصادی) و شرایط زیست‌محیطی (نظیر آب و هوا، کیفیت خاک، منابع آب) با سرعت زیادی در حال تحول و دگرگونی هستند (Müller et al., 2010: 270; Campen-Lotze et al., 2011:458). در نتیجه، نیاز فوری و مستمری به درک یکپارچه و سیستماتیک از نظام‌های غذایی وجود دارد. به عبارت دیگر، لازم است تا استراتژی‌های نوآورانه و متناسب با ویژگی‌های خاص هر منطقه طراحی و اجرا شوند.

در ادامه این پژوهش، به جمع‌بندی پیشینه‌های بررسی‌شده پرداخته شده و خلاصه آن در قالب جدول ۱ ارائه گردیده است. بر اساس این مرور نظام‌مند بر تحقیقات پیشین، مهمترین عوامل مؤثر بر امنیت غذایی از دیدگاه پژوهشگران این حوزه، عوامل اقتصادی هستند. این عوامل اقتصادی شامل مؤلفه‌هایی چون سطح درآمد خانوار، میزان دسترسی فیزیکی و اقتصادی به بازارهای محلی و منطقه‌ای، نوع شغل سرپرست خانوار و اعضای شاغل، مالکیت زمین و دارایی‌های مولد، تعداد افراد شاغل در خانوار، و تنوع فعالیت‌های اقتصادی (به عنوان راهبردی برای کاهش ریسک) می‌باشد. افزون بر این، عواملی مانند کیفیت و شدت روابط میان نواحی عشایری و شهری (از جمله جریان کالا، خدمات، اطلاعات و سرمایه)، و همچنین وضعیت اجتماعی خانوارها (نظیر پایگاه اجتماعی، میزان برخورداری از شبکه‌های حمایتی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محلی) نیز در امنیت غذایی خانوارهای عشایر نقش مؤثری دارند.

با وجود ظرفیت‌های طبیعی، اقتصادی و انسانی موجود در مناطق عشایری استان خوزستان، بخش قابل توجهی از خانوارها همچنان با محدودیت در دسترسی به منابع درآمدی پایدار، زیرساخت‌های عمومی، خدمات بهداشتی و امکانات رفاهی مواجه هستند. استمرار این شرایط می‌تواند موجب کاهش توان اقتصادی خانوارها، افزایش آسیب‌پذیری معیشتی و تشدید ناامنی غذایی شود. بنابراین شناخت عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر توسعه اقتصادی خانوارهای عشایری، گامی اساسی در جهت تدوین سیاست‌های کارآمد توسعه منطقه‌ای محسوب می‌شود.

نکته حائز اهمیت آنکه جنبه نوآوری تحقیق حاضر، بررسی و شناخت برخی از عوامل اقتصادی و اجتماعیِ تأثیرگذار بر وضعیت توسعه اقتصادی خانوارهای عشایری است. تاکنون پژوهشی که به طور خاص و نظام‌مند به این ارتباط در جوامع عشایری (به ویژه در محدوده مورد مطالعه) پرداخته باشد، انجام نشده است. بنابراین، پژوهش حاضر نخستین تحقیقی محسوب می‌شود که به این مهم می‌پردازد.

جدول ۱. خلاصه نتایج پیشینه های مورد بررسی قرار گرفته

پیشینه	محققان	عوامل اقتصادی موثر در توسعه اقتصادی	عوامل اجتماعی
داخلی	غزالی و بخشوده (۱۳۹۳) بشر آبادی و اوحدی (۱۳۹۳) شبانی و همکاران (۱۳۹۳) سعدی و همکاران (۱۳۹۳) فتاحی اردکانی و سالم (۱۳۹۳) سواری و نوشاد ۱۴۰۱ چراغی و رضائی فر، ۱۴۰۱ رضایی فر و همکاران، ۱۴۰۱	تعداد دام، افزایش رشد بازده محصولات کشاورزی- تنوع زراعی، درآمد سرانه- فاصله تا بازار، شاغل بودن سرپرست خانوار- بار تکفل- سابقه دریافت اعتبارات- نرخ اشتغال اعضای خانوار- تنوع فعالیت های اقتصادی- نوع و محل کار سرپرست خانوار- تعداد فرزندان شاغل- وضعیت مسکن، وضعیت خودرو	آگاهی تغذیه ای- مشارکت زنان، کلاس های ترویج- تحصیلات - روابط اجتماعی، خویشاوندی، جنسیت- تعداد فرزندان- جنسیت فرزندان- جمعیت سالمند
خارجی	Amare,2021 Garnett,2020 Gundersen,2018 Habtewold,2021 Haile,2021	اصلاح قوانین آب- دسترسی به فروشگاه مواد غذایی- درآمد- جنس سرپرست خانوار- اعتبارات مالی- وسعت اراضی کشاورزی- پس انداز خانوارها- درآمد حاصل از فعالیت های خارج از مزرعه- مالکیت دام و دسترسی به بازار	روابط شهر و روستا- گسترش کمک های غذایی و خدمات اجتماعی- بعد خانوار

روش‌شناسی

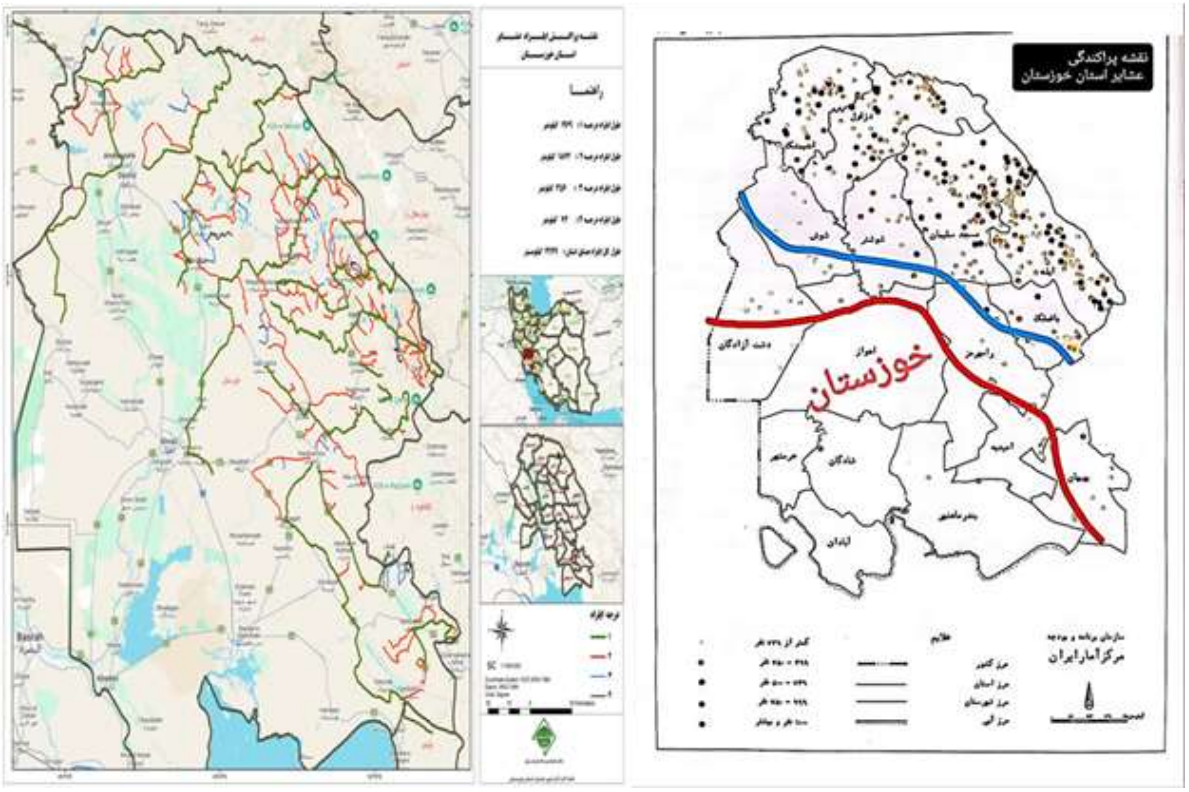
بر اساس نظریه معیشت پایدار، توسعه اقتصادی نتیجه تعامل هم‌زمان سرمایه انسانی، سرمایه فیزیکی، سرمایه طبیعی، سرمایه مالی و سرمایه اجتماعی است. بنابراین انتظار می‌رود هرگونه بهبود در وضعیت زیرساخت‌ها، درآمد، خدمات عمومی و سرمایه‌های اجتماعی، احتمال دستیابی خانوارها به توسعه اقتصادی پایدار را افزایش دهد. این چارچوب نظری مبنای انتخاب متغیرهای پژوهش حاضر بوده است. تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت به علت توصیف ویژگی های جامعه آماری، توصیفی- تحلیلی و از نظر ابزار مبتنی بر پرسشنامه و اسناد اداری می‌باشد. جهت گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر از دو روش مطالعات کتابخانه‌ای، اسناد و گزارش های اداری و میدانی (پرسشنامه) استفاده می‌شود. ابتدا به منظور آشنایی با پیشینه موضوع مورد پژوهش علاوه بر استفاده از منابع علمی مانند کتب علمی، مقالات پژوهشی، پایان‌نامه و رساله‌های دانشجویی (در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا)، از اسناد مختلف بویژه آمارهای منتشره توسط مرکز آمار ایران مورد استفاده قرار خواهد گرفت و سپس با استفاده از روش میدانی و ابزار پرسشنامه به بررسی وضعیت موجود و چگونگی آن پرداخته می شود. متغیرهای مستقل در این تحقیق، عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر در توسعه اقتصادی خانوارهای عشایری و متغیر وابسته نیز وضعیت توسعه اقتصادی این خانوارها می‌باشد. جامعه آماری تحقیق حاضر خانوارهای عشایری واقع در استان خوزستان می‌باشد. استان خوزستان در پایان برنامه ششم توسعه، دارای ۱۷۰۴۹۹ نفر جمعیت عشایری در قالب ۳۳۱۰۴ خانوار بوده که ۱۲۲۳۰ خانوار عشایری در قالب برنامه های مختلف توسعه کشور اسکان یافته اند. با استفاده از فرمول کوکران تعداد نمونه لازم جهت تکمیل پرسشنامه ۵۲۰ بدست آمد. در تحقیق حاضر جهت بررسی نقش عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر توسعه اقتصادی خانوارهای عشایری استان خوزستان از تحلیل و نتایج ۲۴ شاخص برگرفته از پیشینه تحقیق مربوط به جدول شماره ۱ استفاده خواهد شد. همچنین جهت تجزیه و تحلیل استنباطی عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی از مدل لاجیت در برنامه EViews 14 استفاده شده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

استان خوزستان یکی از پر جمعیت ترین استان های عشایری کشور در فصل قشلاق محسوب می شود. این استان در جنوب غربی کشور ایران واقع شده است. جمعیت عشایری استان خوزستان طبق سرشماری ۱۴۰۰ مرکز آمار ایران ۱۷۰۴۹۹ نفر در قالب ۳۳۱۰۴ خانوار است. ترکیب جمعیتی ۹۰۲۲۸ نفر مرد و ۸۰۲۷۱ نفر زن می‌باشد. غالب آنان از ایل بختیاری و بعد از آن لرها، ترک ها، قشقایی ها، کردها و عربها در ترکیب جمعیتی عشایر استان خوزستان مؤثر هستند. مرکز این استان شهرستان اهواز است. استقرارگاه‌های عشایری استان در خوزستان غالباً در جوار و حاشیه رشته کوه زاگرس بوده، ۱۶ شهرستان عشایری استان خوزستان در حوزه زاگرس پذیرای عشایر در فصل قشلاق هستند.

۱۶ شهرستان عشایری استان که دارای ساختار اداری برای ارائه خدمات به عشایر می باشند عبارتند از: دزفول، ایذه، اندیکا، لالی، اندیمشک، شوشتر، مسجدسلیمان، باغملک، بهبهان، رامهرمز، شوش، گتوند، اهواز و حومه، صیدون، هفتکل و دزپارت می باشند.

عشایر استان خوزستان در مجموع طبق سرشماری عشایر کوچنده ۱۳۸۷ مرکز آمار ایران بالغ بر ۲/۱۴ میلیون رأس دام سبک (گوسفند و بره– بز و بزغاله) استان را در اختیار دارند، عشایر کوچنده خوزستان ۳/۶ درصد جمعیت استان را در اختیار دارند (حدود ۱۵ برابر نسبت جمعیتی خود در استان خوزستان در تولید دام سبک مؤثر هستند) شایان توجه است ۱۹ ایلراه محل تردد عشایر از ییلاق به قشلاق و بلعکس هستند که در قالب ۴ گروه عمده، ایلراه درجه یک، ایلراه درجه دو ، ایلراه درجه سه و ایلراه درجه چهار تقسیم بندی شده اند در مجموع ۴۲۶۹ کیلومتر طول ایراه ها یا به عبارت ساده تر مسیر کوچ عشایر استان خوزستان است، نقشه ایلراه های عشایر استان در محیط GIS (بصورت رقومی) استخراج شده و قابل مشاهده است (شکل ۱).



شکل ۱. نقشه پراکندگی عشایر خوزستان و ایلراه های عشایری استان خوزستان

توضیح: تراکم جمعیت عشایری در دوره قشلاق بیشتر در شمال استان خوزستان است (بالای خط آبی، به عبارتی حاشیه زاگرس) بین خطوط آبی و قرمز قسمت حائل، تراکم جمعیت عشایری محدودی دارد و زیر خط قرمز، دارای جمعیت عشایری بسیار کمی است(مناطق جلگه‌ای و دشت)

یافته ها و بحث

نتایج توصیفی نشان می‌دهد که شاخص‌های زیربنایی و خدماتی در طول دوره‌های متعدد برنامه های پنجساله توسعه روندی افزایشی داشته‌اند. بیشترین رشد طبق گزارش های عملکردی در برنامه های ۵ ساله توسعه اقتصادی و اجتماعی در شاخص سوخت فسیلی و حفاظت محیط زیست و نیز خدمات بهداشت و درمان مشاهده می‌شود. همچنین درآمد پایدار عشایر اسکان‌یافته نسبت به عشایر کوچنده بالاتر بوده که این امر می‌تواند احتمال توسعه اقتصادی خانوارهای عشایری اسکان یافته را افزایش دهد. بر این اساس، انتظار می‌رود در مدل لاجیت، متغیر درآمد پایدار و سپس متغیرهای خدمات بهداشتی، محیط زیستی و زیرساختی، اثر مثبت و معناداری بر توسعه اقتصادی خانوارهای عشایری داشته باشند.

متغیرهای زیربنایی مدل لاجیت ترتیبی

$$logit(P)=\beta_0+\beta_1X_1+\beta_2X_2+\beta_3X_3 \quad (۱)$$

این مدل نشان می‌دهد که:

مسکن با دوام، راه‌های ارتباطی و آب آشامیدنی سالم چه نقشی در شکل‌گیری توسعه اقتصادی دارند.

متغیرهای خدماتی، زیست‌محیطی و زیرینایی

$$logit(P)=\beta_0+\beta_1X_1+\beta_2X_2+\beta_3X_3+\beta_4X_4+\beta_5X_5+\beta_6X_6 \quad (۲)$$

در این مدل اثر:

سوخت فسیلی و حفاظت محیط زیست وخدمات بهداشت و درمان نیز وارد تحلیل می‌شوند.

الگوی تفسیر لاجیت

$\beta i>0$

$\beta i < 0$

در مدل لاجیت ترتیبی، ضریب مثبت بیانگر افزایش لگاریتم نسبت شانس وقوع پیامد است و در نتیجه احتمال قرار گرفتن خانوار در سطوح بالاتر توسعه اقتصادی افزایش می‌یابد، در حالی که ضریب منفی نشان‌دهنده کاهش این احتمال است (Greene, 2018).

نسبت شانس:

$$OR=e^{\beta i} \quad (۳)$$

اگر:

- $OR>۱$ اثر مثبت
- $OR<۱$ اثر منفی

نتایج نشان داد درآمد پایدار بیشترین اثر را بر احتمال توسعه اقتصادی خانوارهای عشایری دارد. به عبارت دیگر، تنوع منابع درآمدی موجب افزایش توان خرید، کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی و افزایش امنیت غذایی می‌شود. توسعه خدمات بهداشت و درمان با کاهش هزینه‌های درمانی و افزایش بهره‌وری نیروی کار، احتمال توسعه اقتصادی را افزایش می‌دهد. اثر مثبت سوخت فسیلی و حفاظت محیط زیست نیز نشان‌دهنده نقش زیرساخت‌های انرژی در احتمال بهبود کیفیت زندگی خانوارهای عشایری است.

بیشترین اثر مثبت:

۱. درآمد پایدار عشایر ۲. سوخت فسیلی / حفاظت محیط زیست ۳. مسکن با دوام

اثر مثبت متوسط:

۴. خدمات بهداشت و درمان ۵. راه های ارتباطی ۶. آب آشامیدنی سالم

اثر ساختاری و بنیادی:

مسکن با دوام تنها یک کالای مصرفی نیست بلکه یکی از مهم‌ترین دارایی‌های سرمایه‌ای خانوار محسوب می‌شود؛ بنابراین بهبود وضعیت مسکن موجب افزایش امنیت اقتصادی، کاهش خسارت‌های محیطی و افزایش توان سرمایه‌گذاری خانوار می‌شود و به همین دلیل اثر زیرساختی آن نسبت به سایر متغیرها بیشتر است.

بررسی اولیه داده‌ها نشان داد که وضعیت توسعه اقتصادی خانوارهای عشایری در سطوح مختلف متفاوت است و متغیرهای اقتصادی و خدماتی از بیشترین تغییرپذیری برخوردارند. بر این اساس، برای سنجش اثر هم‌زمان این متغیرها بر وضعیت توسعه اقتصادی، از یک مدل پیشرفته احتمالی (لاجیت) استفاده شد. برای ارزیابی برازش مدل از مقدار Log-likelihood و ضریب تعیین کاذب مک‌فادن ($McFadden\ Pseudo\ R^2$) استفاده شد. مقدار Log-likelihood برابر با ۱۲۵/۴- و مقدار $McFadden\ Pseudo\ R^2$ برابر با ۰/۳۲ به دست آمد. مقدار مک‌فادن نشان می‌دهد که مدل از برازش مناسب و قدرت تبیین قابل قبولی برخوردار است و متغیرهای مستقل وارد شده توانسته‌اند بخش قابل توجهی از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. در مدل‌های لاجیت، مقادیر McFadden بین ۰/۲ تا ۰/۴ معمولاً نشان‌دهنده برازش مطلوب مدل هستند؛ بنابراین مقدار ۰/۳۲ بیانگر کفایت مدل برای تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی خانوارهای عشایری استان خوزستان است (جدول ۲).

جدول ۲. عوامل مؤثر بر وضعیت توسعه اقتصادی خانوار های عشایری استان خوزستان

متغیرها	ضریب(β)	خطای معیار	آمارهz	سطح معنی‌داری (P-value)	نسبت شانس
مدل ۱ (زیرساختی)					
عرض از مبدأ	۲/۵-	۰/۴۱	۶/۰۹-	۰/۰۰۰	–
(X1) مسکن با دوام	۰/۳۵	۰/۱۲	۲/۹۱	۰/۰۰۳	۱/۴۲
(X2) راه‌های ارتباطی	۰/۲۵	۰/۰۹	۲/۷۷	۰/۰۰۵	۱/۲۸
(X3) آب آشامیدنی سالم	۰/۱۵	۰/۰۷	۲/۱۴	۰/۰۳۲	۱/۱۶
مدل ۲ (خدماتی: سوخت فسیلی، بهداشتی و درآمد پایدار)					
عرض از مبدأ	۳/۲-	۰/۵۵	۵/۸۱-	۰/۰۰۰	–
(X4) سوخت فسیلی/حفاظت محیط زیست	۰/۴۵	۰/۱۴	۳/۲۱	۰/۰۰۱	۱/۵۷
(X5) خدمات بهداشت و درمان	۰/۲۸	۰/۱۰	۲/۸۰	۰/۰۰۵	۱/۳۲
(X6) درآمد پایدار	۰/۷۸	۰/۱۸	۴/۳۳	۰/۰۰۰	۲/۱۸
شاخص‌های برازش مدل					
Log-likelihood	۱۲۵/۴-				
Pseudo R^2 (McFadden)	۰/۳۲				

منبع: یافته های تحقیق

جدول ۳. نتایج برآورد مدل لاجیت برای تبیین توسعه اقتصادی خانوارهای عشایری خوزستان

متغیر	(B_1) مدل ۱	(B_2) مدل ۲	Odds ratio
عرض از مبدأ	۲/۵-	۳/۲-	–
مسکن با دوام (X_1)	۰/۳۵	–	۱/۴۲
راه‌های ارتباطی مناسب (X_2)	۰/۲۵	–	۱/۲۸
آب آشامیدنی سالم (X_3)	۰/۱۵	–	۱/۱۶
سوخت فسیلی/حفاظت محیط زیست (X_4)	–	۰/۴۵	۱/۵۷
خدمات شبکه‌های بهداشت و درمان (X_5)	–	۰/۲۸	۱/۳۲
درآمد پایدار از منابع متعدد (X_6)	–	۰/۷۸	۲/۱۸

منبع: یافته های تحقیق

ضرایب هر سه متغیر زیربنایی در مدل اول مثبت هستند؛ پس افزایش متغیرها احتمال توسعه اقتصادی خانوارهای عشایری را افزایش می‌دهد.در بین این سه متغیر، مسکن با دوام بیشترین اثر را دارد.

در مدل دوم ضریب هر سه متغیر مثبت و نسبتاً بالا است، به‌ویژه درآمد پایدار و سوخت فسیلی / حفاظت محیط زیست. این نشان می‌دهد که بهبود درآمد پایدار، زیرساخت‌های خدماتی و زیست‌محیطی(سوخت فسیلی) نقش مهمی در ارتقای توسعه اقتصادی عشایر استان خوزستان دارد.

$$P(Y=1)=\frac{1}{1+e^{-(\beta 0+\beta 1x1+\beta 2x2+\cdots+\beta 6x6)}} \quad (۴)$$

$P(Y=1)$

احتمال وقوع رویداد (توسعه اقتصادی در جامعه عشایری استان خوزستان) است.

eعدد نپر (تقریباً ۲/۷۱۸۲۸) است.

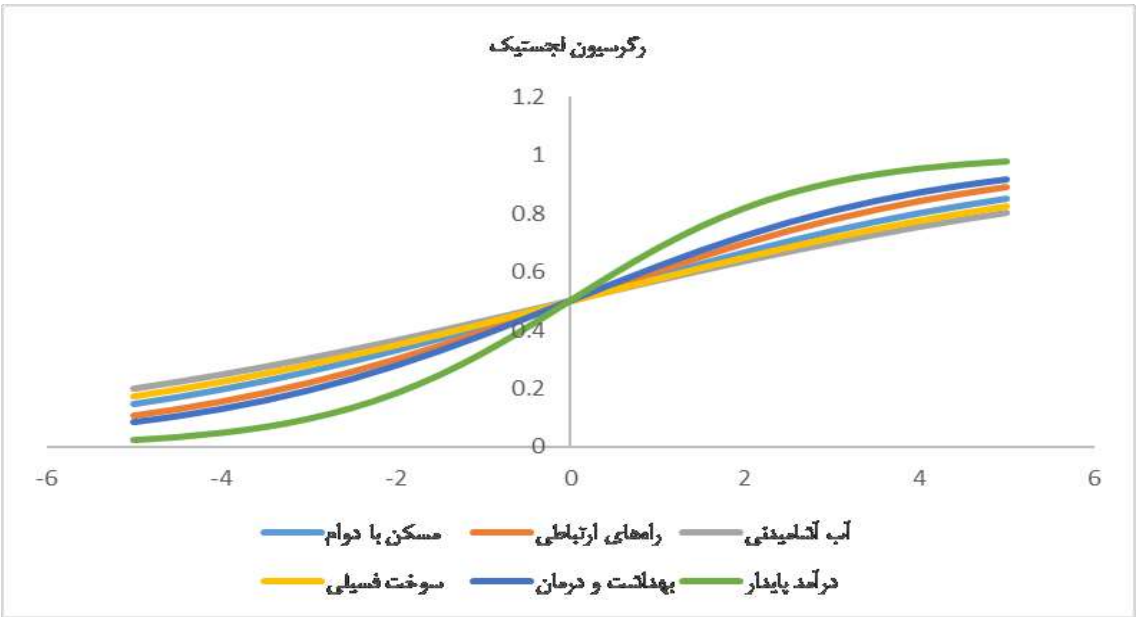
β_0 عرض از مبدأ

β ضریب متغیر مستقل X است.

نتایج مدل نشان می‌دهد تمامی متغیرهای مورد بررسی دارای رابطه مثبت با توسعه اقتصادی خانوارهای عشایری هستند. در میان آنها، درآمد پایدار بیشترین نقش را در ارتقای توسعه اقتصادی ایفا می‌کند؛ زیرا افزایش تنوع و پایداری درآمد، توان اقتصادی خانوار را برای تأمین نیازهای اساسی، سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی و کاهش آسیب‌پذیری معیشتی افزایش می‌دهد. همچنین دسترسی به خدمات بهداشت و درمان، از طریق کاهش هزینه‌های درمان، افزایش سلامت نیروی کار و ارتقای بهره‌وری اقتصادی، نقش مهمی در بهبود وضعیت خانوارها دارد. از سوی دیگر، برخورداری از مسکن با دوام، آب آشامیدنی سالم، راه‌های ارتباطی مناسب و زیرساخت‌های انرژی(سوخت فسیلی) بستر لازم برای افزایش کیفیت زندگی، کاهش هزینه‌های خانوار، مبادله و توسعه فعالیت‌های اقتصادی را فراهم می‌کند. بنابراین توسعه اقتصادی خانوارهای عشایری نتیجه تعامل هم‌زمان عوامل درآمدی، زیرساختی و خدماتی است و نمی‌توان آن را صرفاً به یک عامل محدود کرد (جدول۲ و ۳).

۱. تحلیل شیب منحنی‌ها

روند تغییر احتمال توسعه اقتصادی را در برابر تغییر هر یک از متغیرهای مستقل نشان می‌دهد. شیب بیشتر منحنی‌ها بیانگر حساسیت بیشتر مدل نسبت به آن متغیر است؛ به بیان دیگر، هرچه شیب منحنی بیشتر باشد، تغییرات آن متغیر تأثیر بیشتری بر احتمال توسعه اقتصادی خواهد داشت. درآمد پایدار بیشترین حساسیت را در مدل نشان می‌دهد و تغییر در این متغیر، بیش از سایر عوامل احتمال توسعه اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پس از آن، زیرساخت‌های انرژی(سوخت فسیلی) قرار دارند. در مقابل، متغیرهای راه‌های ارتباطی، آب آشامیدنی سالم، مسکن با دوام و خدمات بهداشت و درمان نیز اثر مثبت دارند، آثار برخی متغیرها (زیرساختی) بیشتر در بلندمدت نمایان می‌شود؛ زیرا این متغیرها همانگونه که اشاره شد بیشتر نقش زیرساختی و زمینه‌ساز توسعه اقتصادی را ایفا می‌کنند (شکل ۲).



شکل ۲. تغییرات احتمال وقوع پیامد (Y=1) به ازای تغییر در هر یک از متغیرهای مستقل در بازه استاندارد شده

۲. مقایسه اثرگذاری متغیرها

اثر غالب: متغیر درآمد پایدار و پس از آن سوخت فسیلی و مسکن با دوام، به‌دلیل برخورداری از ضرایب رگرسیونی بالاتر (β)، در مقایسه با سایر متغیرها، قدرت تبیین‌گری بیشتری داشته و سریع‌تر به وضعیت اشباع (احتمال نزدیک به ۱) می‌رسند.

اثر ثانویه: متغیرهای راه های ارتباطی، آب آشامیدنی سالم و خدمات بهداشت و درمان، ضمن اثرگذاری مثبت، دارای نرخ رشد ملایم‌تری هستند که نشان می‌دهد بهبود این عوامل نیازمند زمان‌بندی بلندمدت‌تر برای مشاهده آثار مشهود بر متغیر وابسته است (شکل ۲).

۳. تبیین علمی

با توجه به نسبت شانس استخراج شده، مدل لجستیک نشان می‌دهد که با کنترل سایر متغیرها، هر واحد افزایش در «درآمد پایدار»، شانس موفقیت را به‌طور معناداری افزایش می‌دهد (OR≈۲/۱۸). این نتیجه با رویکردهای حمایتی همخوانی دارد و تأکید می‌کند که سیاست‌گذاری‌های کلان باید اولویت خود را بر «تولید ثروت و اشتغال پایدار» متمرکز نمایند تا سایر زیرساخت‌های فیزیکی نیز اثرگذاری خود را به حداکثر برسانند (شکل ۲).

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در توسعه اقتصادی خانوارهای عشایری استان خوزستان اگر چه درآمد پایدار خانوارهای عشایری در آن بسیار مؤثر می باشد ولی صرفاً تابع درآمد نیست، بلکه به‌طور معناداری تحت تأثیر مجموعه‌ای از زیرساخت‌های زیستی و خدماتی قرار دارد. مسکن با دوام، راه‌های ارتباطی مناسب و آب آشامیدنی سالم، پایه‌های اولیه بهبود کیفیت زندگی و کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی را فراهم می‌کنند. از سوی دیگر، دسترسی به سوخت فسیلی و ملاحظات زیست‌محیطی، همراه با خدمات شبکه‌های بهداشت و درمان، می‌توانند هزینه‌های زندگی را کاهش داده و پایداری سکونت و فعالیت اقتصادی را تقویت کنند. و همانطور که اشاره شد، درآمد پایدار حاصل از منابع متعدد بیشترین اثر را بر توسعه اقتصادی خانوارهای عشایری استان خوزستان دارد که این امر بر نقش تنوع‌بخشی به معیشت عشایر تأکید می‌کند. بنابراین، سیاست‌های توسعه‌ای باید علاوه بر گسترش زیرساخت‌ها، بر ایجاد منابع درآمدی متنوع و پایدار نیز متمرکز شوند. به عنوان نتیجه‌گیری نهایی می‌توان گفت در جامعه عشایری نظام معیشتی به طور عمده مبتنی بر شبانی و نگهداری و پرورش دام در مراتع است و در این شیوه زندگی که دارای پیشینه‌ای کهن می‌باشد، دام هم به عنوان هدف و هم به عنوان وسیله زندگی محسوب می‌شود، بنابراین هر اندازه تقویت اقتصاد

دام برای خانوارهای عشایری از طریق دسترسی مستقیم فرآورده‌های دامی به بازار و حذف واسطه‌ها و دلالان فراهم شود، می‌توان انتظار داشت که توسعه اقتصادی این خانوارها افزایش یابد. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد که به علت دسترسی مستقیم خانوارهای عشایری به مواد غذایی، نیازهای غذایی آنها از ابعاد دستیابی و دسترسی عمدتاً تأمین است و باید کیفیت آن را ارتقاء داد ولی ابعاد مصرف و ثبات توسعه اقتصادی با توجه به مبادلات و فروش محصولات تعیین می‌شود، بنابراین با توجه به یافته‌های تحقیق، مهمترین پیشنهادات پژوهش حاضر بر اساس یافته‌های تحقیق، در حوزه عشایر استان خوزستان، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران بر شش محور اصلی شامل منابع درآمدی پایدار، ارتقای خدمات بهداشت و درمان، توسعه راه‌های ارتباطی، تأمین آب آشامیدنی سالم، بهبود وضعیت مسکن و گسترش زیرساخت‌های انرژی و حفاظت محیط زیست تمرکز کنند. همچنین حمایت از زنجیره ارزش محصولات دامی، توسعه بازارهای محلی، حذف واسطه‌های غیرضروری، ایجاد صندوق‌های اعتباری ویژه عشایر و توسعه آموزش‌های مهارتی می‌تواند احتمال توسعه اقتصادی خانوارهای عشایری را به طور معناداری افزایش دهد.

سپاسگزاری

مقاله حاضر از رساله دکتری رشته علوم اقتصادی-توسعه اقتصادی بوده که در گروه اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک استخراج شده است.

منابع

امیدزاده اردلی، الهام؛ خدری غریبوند، حجت اله؛ طهماسبی، پژمان و ابراهیمی، عطاءله. (۱۳۹۱). حفاظت تنوع زیستی با حمایت از دامداری چوپانی. اولین کنفرانس ملی راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار (کشاورزی، منابع طبیعی و محیط زیست). تالار بزرگ وزارت کشور، تهران، ایران، ص ۵.

امین آقایی، مهرناز. (۱۳۸۷). بررسی عوامل موثر بر عملکرد صنایع کوچک از دیدگاه کارشناسان توسعه روستایی. فصلنامه روستا و توسعه. ۱۱(۴)، ۱۲۵-۱۴۶، ص۱۴۶.

بزرگ پور، عیسی. (۱۳۷۸). کارشناس سازمان امور عشایر، گزارش تفصیلی "طرح جایگزین سوخت فسیلی" دوره بیست ساله ۱۳۵۸ الی ۱۳۷۷، ص ۱۱۲.

چراغی، محمد؛ رضایی‌فر، حسین. (۱۴۰۱). بررسی نقش سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی در توسعه معیشت پایدار عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد. فصلنامه علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۱۸(۱)، ۱-۲۰.

رحیمی، احمد و پاریخی، پرویز. (۱۳۸۳). تحلیلی بر نقش جایگزینی سوخت فسیلی در رفاه نسبی زنان عشایر کشور، همایش ملی ساماندهی جامعه عشایری ایران، تهران، ص ۶۰.

زراعی بیدسکان، ناهید؛ حیدری، غلامرضا و کیانپور، سهراب. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی شهرستان دورود. فصلنامه پژوهش‌های اقتصاد روستا، ۱(۳)، ۶۷-۸۳.

سعدی، حسین؛ مهدوی، علی و رزمخواه، جمال. (۱۳۹۳). عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر امنیت غذایی خانوارهای عشایر استان لرستان. فصلنامه توسعه روستایی، ۲(۴)، ۵۹-۷۸.

سواری، امیر و نوشاد، مریم. (۱۴۰۱). تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی خانوارهای عشایری استان ایلام. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی در توسعه روستایی، ۶(۳)، ۸۱-۱۰۲.

شبانی، مسعود؛ جودکی، جعفر و حاجی‌نژاد، علی. (۱۳۹۳). نقش اعتبارات خرد در بهبود امنیت غذایی خانوارهای عشایر استان کرمانشاه .فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۳(۱)، ۱-۱۶.

طرفی منیشدی، حسین. (۱۳۹۶). نقش ساختار محیطی کشور بر فعالیت های عشایری با تأکید بر دام (محدوده مورد مطالعه: استان خوزستان). چهارمین کنفرانس بین المللی علوم جغرافیایی، ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۹۶ ، سالن همایش های فرهنگیان شیراز، ایران.

عاشقی، علی‌رضا و طرفی، فاطمه. (۱۳۹۶). تحلیل وضعیت و اولویت‌بندی نیازهای توسعه‌ای خانوارهای عشایری استان خوزستان. فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۷(۲۷)، ۱-۱۲.

عاشقی، منصور. (۱۳۸۴). نگرشی پیرامون وضعیت عشایر و نقش و جایگاه آن ها در ایجاد هویت ملی و امنیت ملی. فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد خلخال،۱۷۰-۱۵۱ ،(۵).

غزالی، فرشید و بخشوده، محمد. (۱۳۹۳). عوامل مؤثر بر امنیت غذایی خانوارهای عشایری استان فارس. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۲۲(۸۸)، ۱-۲۳.

فتاحی اردکانی، احمد و سالم، جواد. (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر ناامنی غذایی در مناطق عشایری استان یزد .پژوهش‌های اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۴۵(۳)، ۴۵۱-۴۶۲.

محمدزاده، علی؛ جعفری، سمیه و اکبری، مریم. (۱۳۹۰). توزیع فضایی ناامنی غذایی در استان‌های ایران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۶(۳)، ۳۱-۵۲.

مقدسی، محمد. (۱۳۸۸). نقش سرمایه انسانی در توسعه اقتصادی پایدار. فصلنامه علوم اجتماعی و انسانی، ۸(۱)، ۱-۹.

مولایی هشجین، مهدی. (۱۴۰۰). بررسی مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در جوامع عشایری ایران .فصلنامه جامعه‌شناسی توسعه، ۹(۲)، ۴۵-۶۷.

مهدوی، مسعود؛ رضایی، پژمان و قدیری معصوم، مجتبی. (۱۳۸۶). روستاهای برآمده از اسکان عشایر و چالش‌های آن. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۰(۱)،۴۱-۶۱.

Amare, Y. (2021). The role of livestock in rural livelihoods and food security. *Journal of Rural and Agricultural Development, 8*(2), 89-107.

Bedeke, S. (2012). Determinants of rural households' food security in Ethiopia. *Journal of Development and Agricultural Economics, 4*(8), 217-224.

Chakona, G. (2017). Food insecurity and its determinants in a rural community in South Africa. *Journal of Rural Studies, 53*, 157-167.

European Commission. (2025). *Vision for agriculture and food: Livestock production to remain an essential part of EU agriculture*. Agriland.

FAO & CIRAD. (2020). *The economics of pastoralism in Argentina, Chad and Mongolia: Market participation and multiple livelihood strategies in a shock-prone environment* (FAO Animal Production and Health Paper, No. 182). Food and Agriculture Organization of the United Nations.

FAO. (2020). *The State of Food Security and Nutrition in the World*. FAO, IFAD, UNICEF, WFP and WHO.

FAO. (2021). *The State of Food Security and Nutrition in the World 2021*. FAO.

FAO. (2022). *Food security indicators: Income and food expenditure*. Food and Agriculture Organization.

Garnett, T. (2020). Sustainable food systems and agricultural policies. *Nature Sustainability, 3*(6), 428-435.

GBD (Global Burden of Disease) Collaborators. (2017). Health effects of dietary risks in 195 countries. *The Lancet, 393*(10184), 1958-1972.

Gibson, M. (2018). The complexity of food access: Political, social, and economic dimensions. *Food Policy, 75*, 39-49.

Gundersen, C. (2018). Food insecurity and economic vulnerability in the United States. *American Journal of Agricultural Economics, 100*(2), 381-395.

Habtewold, T. (2021). Determinants of food security in Ethiopia: A household-level analysis. *Journal of African Economies, 30*(1), 45-67.

Haile, T. (2021). *Food security and its economic determinants in pastoral areas*. International Livestock Research Institute.

Lawrence, G., McMichael, P., and Lam, P. (2010). Food security and the global food system. *Journal of Agrarian Change, 10*(1), 91-115.

Lotze-Campen, H., Müller, C., Bondeau, A., and Lucht, W. (2011). Global food demand, productivity growth, and the scarcity of land and water resources. *Global Environmental Change, 21*(2), 451-462.

Maxwell, D. (2006). The importance of assets in rural food security. *Journal of Development Studies, 42*(3), 425-443.

Misselhorn, A. (2018). The role of social networks in food security. *Journal of Social Development, 35*(2), 115-135.

Müller, C., Bondeau, A., and Lotze-Campen, H. (2010). Climate change impacts on agricultural yields. *Global Environmental Change, 20*(2), 265-275.

Prosekov, A. Y., and Ivanova, S. A. (2018). Food security: The challenge of the present. Journal of Food Science and Technology, 55(10), 3833-3839.

USAID. (2020–2025). *Resilience in Pastoral Areas (RIPA-North)* [Feed the Future program, Ethiopia]. Mercy Corps

World Bank Group. (2024). *Reinforcing pastoralism in the Sahel and West Africa: A decade of progress and the path forward*. World Bank Blogs.